



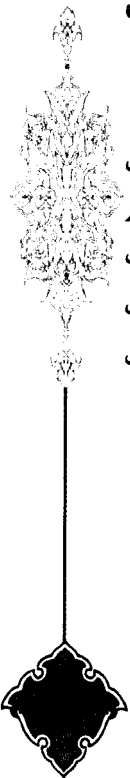
نقد و بررسی کتاب «چرا و چگونه وقف کنیم»

*محمد باقر ملکیان

چکیده:

کتاب چرا و چگونه وقف کنیم به اهتمام آقایان دانش پرور و ریاحی سامانی در سال ۱۳۸۸ در ۳۰۴ صفحه و دو بخش و سیزده زیر عنوان به چاپ رسید این کتاب که در نوع خود بدیع و بی نظیر است، حکایت از تلاش نویسندگان آن دارد و دارای نکات و نواقصی بوده که می توان آن را در چهار عنوان برداشت های شخصی، مطالب نامربوط با موضوع، استناد غیر صحیح به منابع و عدم تناسب مباحث با موضوع کتاب مطرح نمود.

* محقق و پژوهشگر



خصوصیات کتابشناسی اثر:

چرا و چگونه وقف کنیم

مؤلف: سید علی دانش پور و نادر

ریاحی سامانی

تهران: سازمان چاپ و انتشارات

چاپ اول: تابستان ۱۳۸۸

شمارگان: ۳۰۰۰ / وزیری / جلد شومیز /

طراحی چهار رنگ

۳۰۴ صفحه / ۲۷ سطر / ۴۰۰۰ تومان

معرفی اجمالی

اثر مذکور دارای دو بخش است:

بخش اول چرا وقف کنیم. این بخش

از هفت فصل (که از آنها به کلمه تعبیر

شده) تشکیل شده است:

کلمه اول: ایجاد انگیزه برای وقف

کلمه دوم: سیر تاریخی سنت حسنه

وقف در جهان

کلمه سوم: وقف در کشورهای مسلمان

نشین

کلمه چهارم: وقف در کشور ایران قبل

و بعد از اسلام

کلمه پنجم: نقش وقف در رفع نیازهای

جامعه

کلمه ششم: آسیب شناسی وقف

کلمه هفتم: احیای موقوفات و اشاعه

فرهنگ وقف

بخش دوم: چگونه وقف کنیم. این

بخش نیز شامل هفت کلمه است:

کلمه اول: وقف در حوزه فرهنگ

مسلمانان

کلمه دوم: تشریح وقف در صدر اسلام

کلمه سوم: وقف از دیدگاه فقهای

هشت گانه مسلمانان

کلمه چهارم: شرط و اهمیت آن در

وقف

کلمه پنجم: ارکان وقف

کلمه ششم: احکام وقف

کلمه هفتم: ملحقات ومصطلحات وقف

این کتاب - چنان که مولف محترم

هم گفته - دایره‌المعارفی مختصر در

زمینه وقف است و تا آنجا که نگارنده

این سطور مطلع است کتابی این گونه

به زبان فارسی نگاشته نشده است و

این خود جای بسی قدر دانی از حسن

سلیقه و اهتمام نویسندگان دارد. البته

در زبان عربی دانشنامه‌هایی در این

باره نگاشته شده که مفصل تر بوده و

از آنجایی که این موضوع در کشورهای

عربی چندین سال دارای سابقه است

بالتبع با تحقیقات جامع تری انجام

می‌گیرد و کار آنها از این اثر تحقیقی

تراست.

این کتاب ارزشمند اولین اثر در موضوع

چرایی و چگونگی وقف نمودن و

نوعی دایره‌المعارف وقف می‌باشد و

موضوعات آن با چنین پیوستگی در کمتر جایی ملاحظه می شود. و از آنجایی که موضوع بدیع است دارای نواقص و کاستی های است که بیان آن در واقع ارج نهادن به زحمات برادران سید علی دانش پور و

مثلاً مؤلف به جای فصل از واژه کلمه استفاده می کند و یا از واژه اشارات (ص ۱۶) و یا واژه تذکار (ص ۱۸) به جای نکته و تذکر استفاده می کند، که البته این کار چندان مرسوم نبوده شاید نوعی نقص به حساب آید.

نقد اثر

آنچه در ادامه ذکر می کنیم ایراداتی بر این کتاب ارزشمند است که در چند محور کلی بیان می نماییم:
تذکر: این سطور با اجازه از نویسندگان اثر بچاپ رسیده است

۱- برداشت های شخصی:

گاه مؤلف بر اساس آیه یا روایتی یا داستانی در صدد استنباط مطلبی است که این استنباط شخصی بوده و از نظر علمی چندان صحیح به نظر نمی رسد. نمونه های زیر مؤید مدعا است:

۱/۱- تفسیری

(۱/۱/۱) در ص ۳۸ با توجه به آیه «المجاهدین باموالهم و انفسهم» آمده: در آیه شریفه خداوند متعال دو مرتبه جهاد با مال را بر جهاد با جان مقدم داشته است.

گویا مؤلف محترم می خواهد چنین

چرا و چگونه
وقف کنیم؟
به اهتمام سید علی دانش پور
ناشر ریاحی سامانی

نادر ریاحی سامانی می باشد تا در چایهای بعد جبران آن را بنمایند.
در اینجا جا دارد از مطالب مفید این کتاب خصوصاً در بخش دوم «چگونه وقف کنیم» تقدیر به عمل آید که نویسندگان محترم با توجه به اشرافی که داشته اند، بخوبی مطالب را بیان نموده اند علاوه بر آن، این اثر دارای نوآوری هایی در عنوان گذاری هاست



استنباط کند جهاد با مال بر جهاد با جان برتری دارد، در حالی که بنا بر تصریح بسیاری از ادیبان و فقهای شیعه وسنی عطف با واو دلالت بر ترتیب و برتری نمی کند.

۱/۱/۲) بر اساس آیه شریفه «و اذا يرفع ابراهيم القواعد» استفاده شده که ساختن کعبه توسط حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام از مقوله وقف بوده، در حالی که چنین استنباطی نه از ظاهر آیه بر می آید و نه در روایات به آنها اشاره شده، بلکه کاری که حضرت ابراهیم و فرزند پاک سیرتش اسماعیل علیهما السلام انجام دادند تجدید بنای خانه خدا آن هم به فرمان خدا بود و این ربطی به مسأله وقف ندارد.

۱/۲- روایی

مؤلف در ص ۳۱ در ذیل عنوان تحلیل نقلی، روایتی از امیر المومنین علیه السلام نقل می کند به این مضمون که بهترین توشه برای قبر پرهیزگاری است. اولاً: وقف چه ربطی به پرهیزگاری دارد. وقف از مقوله احسان و انفاق است و تقوا از مقوله خویشتن داری. ثانیاً: برای اثبات مدعا بهتر بود از

روایاتی که پیرامون باقیات الصالحات و صدقه جاریه اند استفاده می شد که هم با این بخش مناسب بود و هم نیازمند توجه و تفسیر دور از ذهن نبود. مثلاً در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده: «ست خصال ینتفع بها المؤمن من بعد موته ولد صالح یتسفر له و مصحف یقرأ فیہ و قلیب یحفره و غرس یغرسه و صدقه ماء یجریه و سنه حسنه یؤخذ بها بعده». (بحار الأنوار: ۱۸۱/۱۰۰)

۱/۳- تاریخی

۱/۳/۱) در ص ۳۲ مطلبی تحت عنوان تحلیل تاریخی آمده و یک داستان از نادر شاه نقل شده است. مؤلف محترم بر آن است تا با این داستان بفهماند که وقف باعث جاودانه شدن اموال می شود، در حالی که در این ماجرا آمده اموال نادر شاه - علی رغم موقوفه بودن - از بین رفت.

۱/۳/۲) مؤلف می نویسد: بشر اندیشمند تلاش فراوان کرده به نحوی اموال و ثروت خود را جاودان کند. و در حاشیه می نویسد: گورهای فراوان کشف شده که فلزات قیمتی در آن پیدا شده، دلیل بر این مدعاست (ص ۴۳).

معمولاً اموال و چیزهای قیمتی را به خاطر اعتقاد به جهان پس از مرگ با اموات دفن می کردند، از این رو در بعضی از تمدن های دنیای باستان همراه با متوفی همسرش را هم دفن می کردند (رک: تاریخ تمدن، تألیف ویل دورانت، ج ۱). و مسلماً دفن کردن همسر از روی تلاش برای جاودانه کردن اموال نیست.

۲- ذکر مطالب نامربوط با موضوع

مؤلف در بسیاری از موارد (و بیشتر در حاشیه) مطالبی را ذکر می کند که اصلاً ربطی به وقف و موضوع کتاب ندارد. و از آنجا که این مباحث به صورت استطرادی و حاشیه ای مطرح می شود، خواننده کتاب را با مباحث نامربوط و گاه ناقص درگیر می کند.

(۲/۱) نمونه هایی از این مطالب در متن عبارتند از:
دین ایرانیان قبل از زرتشت (ص ۷۵).
چگونگی پیدایش مذاهب هشتگانه فقهی مسلمانان (ص ۱۸۴).
چگونگی پیدایش مذاهب چهار گانه اهل سنت (ص ۱۹۲).

(۲/۲) نمونه هایی از این مطالب در حاشیه ها عبارتند از:

شرح حال میرزا محمد علی طوسی شاعر معاصر نادر شاه افشار (حاشیه ص ۳۴).

زندگی و تاریخ زرتشت (ص ۷۸، حاشیه ۲).

الهی بودن تعلیمات زرتشت و ترویج مکتب او (ص ۷۸، حاشیه ۳).

تغییر اوستا در طول تاریخ (ص ۷۸، حاشیه ۴).

بحث درباره تاریخ مشروطه (ص ۸۰، حاشیه ۲).

تبدیل تاریخ قمری به شمسی و تاریخچه آن (ص ۸۱، حاشیه ۳).

تحریف تورات (ص ۸۴، حاشیه ۴).

معنوی لغوی و اصطلاحی معبد (ص ۹۵، حاشیه ۲).

زندگی ابن بطوطه (ص ۱۱۱، حاشیه ۱).

تأثیر زبان عربی بر دیگر زبان ها و وارد شدن لغات زبان عربی به زبان فارسی (ص ۱۵۱، حاشیه ۱).

بحث درباره صحابی، تابعی و مخضرم (ص ۱۷۱، حاشیه ۳).

ویژگی مذهب فقهی امامیه (ص ۱۸۷، حاشیه ۱).

ویژگی مذهب زیدیه (ص ۱۹۰، حاشیه ۱ و ۲).

مجمّل التواریخ (تالیف أبو الحسن بن محمد امین کلستانه، تصحیح استاد مدرس رضوی، ۱۳۳۴ش، ص ۱۶ و ۱۷) که می بایست عبارت داخل پرانتز در پاورقی درج شود.

و نیز در ص ۲۱۶ آمده: نظام الوقف و . . . فی الوطن العربی، ص ۱۳۷، چاپ ۲۰۰۳، بیروت، که اولاً حذف بخشی از نام کتاب معمول نیست، ثانیاً اشاره به سال و محل چاپ می بایست یا در فهرست منابع و مأخذ باشد و یا در پاورقی.

۳/۲) عدم استناد به منابع: مؤلف محترم در ص ۱۶۳ تقریر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و عمل آن حضرت را از مستندات وقف بر می شمرد، ولی منبعی نه برای تقریر آن حضرت گزارش می کند و نه فعل ایشان. و یا در ص ۱۵۱ هنگام بیان اصطلاح وقف از منظر فقهای مسلمان، منبعی گزارش نمی شود.

۳/۳) استفاده نه چندان متناسب از منابع: مثلاً در ص ۱۵۰ که به مبحث وقف در لغت اختصاص یافته، از کتاب موسوعه الوقف استفاده شده، که می بایست این مبحث با توجه به لغت نامه

. ویژگی مذهب حنفیه (ص ۱۹۵، حاشیه ۱).

. ویژگی مذهب مالکیه (ص ۱۹۷، حاشیه ۱).

. ویژگی مذهب شافعیه (ص ۱۹۹، حاشیه ۳).

. ویژگی مذهب حنبلیه (ص ۲۰۰، حاشیه ۱).

۳ استناد به منابع

یکی از محسنات این کتاب استنادات آن است ولی دارای اشکالهایی است که اشاره می شود

۳/۱) مؤلف محترم در ارجاع به منابع بر اساس شیوه مرسوم عمل نمی کند. مثلاً در اشاره به آیات قرآنی می نویسد: ق ک: ۶۷/۲ (به جای سوره بقره: آیه ۶۷) در حالی که اولاً به کار بردن علامت اختصاری برای قرآن کریم نه مرسوم است و نه پسندیده، ثانیاً در ارجاع دادن به سوره ها و آیات قرآن نیازی نیست ابتداء کلمه قرآن کریم ذکر شود، بلکه می بایست نام سوره (و احیاناً شماره آن) و شماره آیه ذکر شود. در استناد به منابع دیگر هم شیوه مؤلف چندان پسندیده نیست.

مثلاً در ص ۳۳ چنین آمده است:

های معتبر نگاشته می‌شد.

و یا در ص ۲۰۹ آمده: بعضی از قواعد فقه در تمام ابواب فقه کاربرد دارند و بعضی از قواعد فقه در چند باب فقه و بعضی اختصاص به یک باب فقهی دارند. این مطلب به وسائل الشیعه ج ۱۳ استناد داده شده، در حالی که اصلاً در وسائل این مطلب به چشم نمی‌خورد. مؤلف محترم می‌توانست این مطلب را به القواعد الفقهیه آیت الله مکارم شیرازی یا القواعد الفقهیه مرحوم آیت الله بجنوردی مستند کند.

۴- عدم تناسب مباحث مطرح شده

مؤلف محترم از ص ۲۳۲ تا ۲۳۶ به بحث در باره شرطیت قصد قربت در وقف می‌پردازد و به استدلال و مناقشه در باره ادله قائلین به شرط و ادله قائلین به عدم شرط می‌پردازد، در حالی که این مسأله یک مبحث تخصصی و اجتهادی است و نیازی به طرح آن در این کتاب نیست.

از سوی دیگر در مبحث بیع موقوفات از نظر فقهای مسلمان (ص ۲۶۳-۲۶۶) تنها به نظر مرحوم شیخ انصاری، صاحب عروه و مرحوم امام خمینی اشاره می‌کند، که بهتر بود

بحث مفصل تری انجام می‌شد و لا اقل نظر فتوایی - و نه لزوماً استدلالی - مراجع معاصر تقلید مطرح می‌شد. ضمن تشکر از نویسندگان این کتاب امید آن داریم شاهد اثر های زیبای دیگر از آنان باشیم . انشاء الله